

Infinitif et ses emplois en français et ses équivalents en persan : Étude du roman *Sous le ciel d'Oran* de Najib Redouane

Nahid Djalili Marand¹ (Auteur correspondant) 

Professeure, Département de Français, Faculté de Littérature, Université Alzahra, Téhéran, Iran

Samaneh Asgari

Etudiante en master de traductologie, Département de Français, Faculté des Sciences Humaines, Université Tarbiat
Modares, Téhéran, Iran

Résumé

Le présent article se penche sur l'étude de « l'Infinitif » et ses divers emplois en grammaire de la langue française dans une approche contrastive avec celle du persan. En supposant que la traduction vers le persan de tous ces emplois ne donnerait pas le même mode verbal, nous nous sommes interrogées sur l'équivalent de chaque cas dans notre langue. Nous avons également voulu savoir si les emplois de l'Infinitif étaient si vastes en persan ou non. Pour trouver des réponses adéquates à nos questions, il nous fallait un corpus bien riche dans ce domaine d'où notre choix sur le roman *Sous le ciel d'Oran* de Najib Redouane qui contient un large éventail de cette notion grammaticale. Après avoir sélectionné les extraits concernés de cet ouvrage, nous les avons traduits en persan afin d'y effectuer cette étude contrastive. La méthodologie de recherche est descriptive-analytique basée sur les travaux des grammairiens français et iraniens. Comme la présente recherche s'inscrit également dans un cadre traductif, les tendances déformantes d'Antoine Berman nous ont servi de théories pour justifier le choix des temps verbaux en traduction. Les résultats de cette recherche montrent que dans la quasi-majorité des cas, l'Infinitif français se reflète en persan comme verbe conjugué selon le contexte et parfois comme nom, et que les différents emplois de ce mode ne sont pas tellement variés en persan.

Mots-clés : Grammaire, Traduction, Langues française et persane, *Sous le ciel d'Oran*, Infinitif, Fonction de l'Infinitif, Tendances déformantes.

¹. E-mail: djalili@alzahra.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-1641-5548>

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.94206.1146>

Application of The Infinitive in French and their Persian Equivalents: A Case Study of The Novel *Sous le ciel d'Oran* by Najib Redouane

Nahid Djalili Marand¹ (Corresponding author) 

Professor, Department of French, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Samaneh Asgari

Master's student in French translation, Department of French, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The 'infinitive' is examined in this article and its various uses in French grammar, taking a comparative approach to Persian. Considering that direct infinitive equivalents may not always be found when translating from one language to another, we asked : What is the Persian equivalent for each function of the French infinitive, and is the verbal mood used as widely as it is in French? A rich research corpus on the subject was necessary to find appropriate answers to our questions. *Sous le ciel d'Oran*, written by Najeeb Rizwan, was selected for this study, as it encompasses a wide range of different uses of the French infinitive. We translated sentences that were related to our research subject. We investigated the French infinitive in the source language sentences and their equivalents in the target language using a descriptive-analytical and library-based method, with references to French and Iranian grammarians. By conducting a comparative study, we were able to find appropriate answers to our research questions. This research includes translation, so we have employed Antoine Berman's "deforming tendencies" as translation theories. By analyzing and comparing selected excerpts from the French text with their Persian translations, it was revealed that in the majority of cases, the French infinitive is rendered in Persian as a conjugated verb, occasionally as a verbal noun, and rarely as an infinitive.

Keywords: Grammar, Translation, French and Persian Languages, *Sous le ciel d'Oran*, Infinitive Mood, Infinitive Function.

¹. E-mail: djalili@alzahra.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-1641-5548>

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.94206.1146>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۴)، بهار و تابستان ۱۴۰۴

کاربردهای «مصدر» در زبان فرانسه و معادل آنها به فارسی:

مطالعه موردی رمان زیر آسمان اوران اثر نجیب رضوان

مقاله پژوهشی

ناهید جلیلی مرند^۱ (نویسنده مسئول) 

استاد، گروه فرانسه، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

سمانه عسگری

دانشجوی ارشد مترجمی فرانسه، گروه فرانسه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر به مطالعه «مصدر» و کاربردهای آن در دستور زبان فرانسه با رویکردی تطبیقی در فارسی می‌پردازد. با تصور این که در برگردان همه موارد از زبانی به زبان دیگر همیشه مصدر به دست نمی‌آید، این پرسش برایمان مطرح شده که معادل هر یک از نقش‌های مصدر فرانسه در زبان فارسی چیست و آیا در زبان ما هم این وجه فعل به همین گستردگی بکار می‌رود یا خیر؟ برای یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های خود نیاز به یک پیکره پژوهش غنی در مبحث موردنظر داشتیم. در این راستا، رمان *زیر آسمان اوران* اثر نجیب رضوان که شامل طیف وسیعی از استفاده‌های مختلف مصدر فرانسه است را انتخاب و جملات دربرگیرنده موضوع پژوهش را ترجمه کرده‌ایم. بدین ترتیب، با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای و با استناد به دستورشناسان فرانسوی و ایرانی، مصدر فرانسه در جملات زبان مبدا و معادل آنها را در زبان مقصد مورد مطالعه قرار داده و این کار تطبیقی امکان یافتن پاسخ مناسب برای پرسش‌های پژوهش را برایمان فراهم کرده است. از آنجایی که ترجمه نیز بخشی از این پژوهش را تشکیل می‌دهد، به عنوان تئوری‌های ترجمه از «گرایش-های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن، نظریه پرداز فرانسوی، استفاده کرده‌ایم. بررسی و تحلیل گزیده‌های متن فرانسه و تطبیق‌شان با برگردان آنها به فارسی روشن کرد که استفاده‌های گوناگون مصدر فرانسه در زبان ما به صورت فعل صرف‌شده، گاهی اسم فعل و به ندرت مصدر ترجمه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دستور زبان، ترجمه، زبان فرانسه و فارسی، *زیر آسمان اوران*، وجه مصدر، نقش مصدر، گرایش-های ریخت‌شکنانه.

¹. E-mail: djalili@alzahra.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.94206.1146>
<https://orcid.org/0000-0002-1641-5548>

۱. مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم در دستور زبان‌های زنده دنیا «وجه مصدر»^۱ است که کاربردهای مختلفی در هر زبان دارد. مطالعهٔ رمان ادبی زیر آسمان / اوران اثر نجیب رضوان^۲ توجه ما را به تنوع نقش‌ها و استفاده‌های مختلف آن در زبان فرانسه جلب کرد. با تصور بر این که در برگردان همه موارد از زبانی به زبان دیگر همیشه مصدر به دست نمی‌آید، این پرسش برایمان مطرح شد که معادل هر یک از نقش‌های مصدر فرانسه در زبان فارسی چیست؟ و آیا در زبان ما هم «وجه مصدر» به همین گستردگی بکار می‌رود یا خیر؟ برای یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های خود برآن شدیم تا گزیده‌هایی از رمان مذکور را که دربرگیرنده نکته مورد نظر است، انتخاب کرده و به فارسی برگردانیم، سپس در مطالعه‌ای تطبیقی، معادل نقش‌های گوناگون مصدر فرانسه در جملات این کتاب را در زبان خود بیابیم، چرا که پژوهش درباره هر مبحث دستوری در چهارچوب ترجمه روشی منطقی برای رسیدن به نقاط اشتراک و افتراق آن در دو زبان به نظر می‌رسد. شایان ذکر است که برای تعدادی از نقش‌های مصدر مثالی در کتاب مذکور نیافتیم و بدین‌خاطر جملاتی به ابتکار خود آورده‌ایم تا نکته‌ای در این زمینه ناگفته نماند.

روش پژوهش ما کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی است که در راستای آن با استناد به نقطه نظرهای دستورشناسان فرانسوی و ایرانی به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این مقوله دستوری می‌پردازیم. از آنجایی که ترجمه بخشی از پژوهش ما را تشکیل می‌دهد، برآن شدیم تا معادل مصدر فرانسه در ترجمه خود را با تکیه بر «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»^۳ آنتوان برمن، نظریه پرداز فرانسوی، مورد بررسی قراردهیم تا بدین ترتیب از رویکردهایی که خواسته یا ناخواسته مورد استفاده قرار گرفته‌اند سخنی به میان آوریم. به خوبی می‌دانیم که در برگردان متن از زبانی به زبان دیگر اغلب ساختار دستوری در زبان مقصد مطابق با متن اصلی نیست. همچنین مترجم مجبور به

^۱ Le mode Infinitif

^۲ *Sous le ciel d'Oran* (2023), Najib Redouane.

^۳ *Tendances déformantes* d'Antoine Berman

افزودن برخی واژه‌ها، حذف برخی دیگر یا حتی انتخاب واژه‌ای زیباتر است. درواقع، این رویکردها تغییراتی را در چهارچوب «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» در متن ترجمه به وجود می‌آورند و این نکته می‌تواند توجیهی منطقی برای استناد به آن‌ها در بخش تحلیلی پژوهش باشد. قابل ذکر است که در بخش تحلیل مثال‌ها، از رویکردهایی که در ترجمه به آن‌ها توسل بسته یا از آن اجتناب کرده‌ایم و نام هر یک داخل گیومه آمده مربوط به سبزه «گرایش ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن است که محمد رحیم احمدی در کتاب خود تحت عنوان *نقد ترجمه ادبی، نظریه‌ها و کاربردها* (۱۳۹۵) علاوه بر معادل‌یابی در فارسی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

۲. پیشینه پژوهش

بنابر ماهیت موضوع پژوهش که در چهارچوب دستور هر دو زبان قرار دارد، در تمام کتاب‌های دستوری بخش‌هایی به این موضوع اختصاص داده‌شده و با توجه به تعداد زیاد این آثار که برخی نیز کتب مرجع هستند فقط به ذکر دو عنوان بسنده می‌کنیم: *دستور زبان مقایسه‌ای فرانسه و فارسی* (۱۳۹۵) از محمدجواد کمالی که در سازمان سمت منتشر شده و اثر دیگری از همان انتشارات به قلم سهیلا فتاح و وجیهه هواکشیان تحت عنوان *بررسی مقایسه‌ای وجه و زمان فعل در زبان‌های فارسی و فرانسه* (۱۴۰۲).

در رابطه با مقالات، نگاهی به عناوین آن‌ها می‌اندازیم، پژوهش‌هایی که یا به طور کامل به این موضوع اختصاص یافته‌اند یا از دیدگاهی خاص آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا، مقاله‌ای در نشریات دانشگاهی به زبان فرانسه یا مطالعه تطبیقی فرانسه-فارسی یافت نشد، ولی چند عنوان در مجلات فارسی‌زبان منتشر شده که در این بخش نگاهی به آن‌ها می‌اندازیم.

«نگاه زایشی به مقوله دستوری مصدر در زبان فارسی (ره‌یافت‌ها و راه‌حل‌ها)» به قلم ابوالفضل مصفا جهرمی است که در فصلنامه *زبان پژوهی* دانشگاه الزهرا (۱۳۹۲) منتشر شده و پژوهشگر در آن به جنبه‌های مختلف «مصدر» پرداخته است:

براساس گرایش غالب در زبان فارسی، مصدر، نوعی اسم است؛ اما شواهدی نیز در زبان فارسی وجود دارند که فعلی بودن (فعل گونه بودن) مصدر را اثبات می‌کنند. مصدرهای فارسی، قابلیت مجهول شدن، سببی شدن و نیز منفی شدن مانند فعل‌های زمان‌دار را دارند (مصفا جهرمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۳).

مقاله دیگر، مطالعه‌ای است تطبیقی بین دو زبان فارسی و روسی از مریم مرادی و علی مداینی اول با عنوان «معانی گوناگون مصدر در جمله‌های مصدری یک رکنی زبان روسی و بیان آن‌ها در زبان فارسی» که در *جستارهای زبانی* دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۹۲) به چاپ رسیده است. این پژوهش به «ساختار جملات مصدر یک رکنی می‌پردازد و طریقه بیان آن‌ها را در زبان فارسی بررسی می‌کند» (مرادی و مداینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۳).

همچنین پژوهش تطبیقی دیگری بین دو زبان مذکور توسط امیر حسینی انجام شده: «بررسی و تحلیل ویژگی‌های دستوری - نحوی مصدر زبان روسی در مقایسه با مصدر زبان فارسی» که در *پژوهش ادبیات معاصر جهان* (۱۳۸۱) دانشگاه تهران منتشر شده است. به نظر نویسنده «مصدر یکی از عناصر تشکیل‌دهنده واژگان زبان شکل بنیادین فعل در زبان‌های مختلف است». مقاله «به بررسی ویژگی‌های دستوری - نحوی مصدر زبان روسی و مقایسه آن با زبان فارسی و یافتن وجوه تشابه و تفاوت آن‌ها پرداخته است» (حسینی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹).

تقی وحیدیان کامیار مقاله «مصدرنما یا مصدر فعل مرکب» را در *مجله ادبیات فارسی* (۱۳۸۸) دانشگاه آزاد مشهد منتشر کرده و در آن به بحث درباره فعل مرکب پرداخته است. به باور نگارنده، این نکته:

بحث‌انگیزترین موضوع در دستور زبان فارسی است [...] و دستوریان درباره آن بحث‌های بسیار کرده و نظرات متفاوت و حتی متضادی داده‌اند و اکثر در تشخیص فعل مرکب دچار سردرگمی شده‌اند و بسیاری از آنچه فعل مرکب یا مصدر مرکب مثال آورده‌اند فعل مرکب نیست؛ مثل: سوگند خوردن که سوگند مفعول است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۸، ص. ۲۲).

در رابطه با ساخت نحوی مصدر در مقاله‌ی «مصدر فارسی چه ماهیتی دارد و چگونه فرافکن می‌شود؟ تبیینی در چارچوب صرف توزیعی» چنین می‌خوانیم: «پیرامون مصدر و ساخت

نحوی اش اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی آن را اسم و دیگران فعل می‌دانند. دسته سومی نیز بنا به رفتار اسم- فعل گونه آن، مصدر را ذیل مقولات مشکک یا مقوله‌پذیر در بافت تلقی می‌کنند» (سرکیسیان و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۲۱۷). این پژوهش را کلاریس سرکیسیان و همکاران انجام داده‌اند و در نشریه علم زبان دانشگاه علامه طباطبائی به چاپ رسانده‌اند. همچنین پژوهشگران نشان داده‌اند که «چگونه مصدر فارسی در مقام صفت نیز می‌تواند ایفای نقش کند» (همان). مقاله «مصدر، اسم مصدر و حاصل مصدر از دیدگاه سرنمون رده‌شناختی» به قلم والی رضایی در پژوهش‌های زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان (۱۳۹۵) منتشر شده و در آن نگارنده به دیدگاه‌های متفاوت درباره «تعلق مصدر به فعل یا اسم در میان دستورنویسان و زبان‌شناسان» پرداخته است.

در این مقاله، این مقوله‌ها بر اساس سرنمون رده‌شناختی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. بر اساس رویکرد کرافت (۲۰۰۳) طبقه معنایی واژگان به تنهایی قادر به تعیین مقوله واژگانی کلمات به صورت بین‌زبانی نیست و علاوه بر آن نقش کنش گزاره‌ای نیز باید در نظر گرفته شود (رضایی، ۱۳۹۵، ص. ۲).

«نوعی اسم مصدر در زبان فارسی» عنوان دیگری در زمینه این بحث است که در مجله دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان (۱۳۹۲) به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله، عصمت خویینی، «ضمن مروری بر ساخت‌های شناخته‌شده اسم مصدر به نوع خاصی از اسم در زبان فارسی» نگاهی انداخته است. «این اسم دارای ساختمانی ساده است و بر مفهوم عمل دلالت می‌کند و بدون داشتن ساختمان اسم مصدر، در همان معنی به کار می‌رود» (خویینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰). در نشریه پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد، در زمینه دستورزبان فقط یک مقاله به قلم ناهید جلیلی مرند و ناهیده کلاشی یافتیم که به «مطالعه تطبیقی صفت بیانی در زبان‌های فارسی، فرانسه و روسی» (۱۴۰۲) پرداخته است. پیرامون کلید واژه‌ی دیگر پژوهش، یعنی ترجمه، مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های ترجمه متون پزشکی و نقش شیوه‌های ترجمه در حل آن» در همین مجله در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است. از نظر نگارندگان، محمد رحیم احمدی و حانیه جعفری:

دشواری درک زبان پزشکی نه تنها به علت استفاده از اصطلاحات فنی و پزشکی خاص، بلکه به دلیل ویژگی‌های سبکی و ساختاری این زبان است. فرایندهای ترجمه

یکی از ابزارهای درک معنای درک متن مبداء برای مترجمان است که با کمک این ابزارها و با در نظر گرفتن مخاطب این معنا را در زبان مقصد بازگو می‌کنند (احمدی و جعفری، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۶).

پژوهش حاضر بی‌شک با آنچه تاکنون انجام شده نکات مشترکی دارد که در مطالعه «مصدر» و جنبه‌های گوناگون آن دیده می‌شود؛ ولی نوآوری آن در رابطه با بررسی این نکته مهم دستوری در زبان فرانسه و جنبه تطبیقی آن با فارسی در ترجمه یک اثر ادبی است.

۳. بحث و بررسی

نگاهی تطبیقی به «مصدر» در فرانسه و فارسی

مصدر در کتاب مرجع دستور زبان فرانسه^۱ چنین تعریف شده: «وجهی است که در رابطه با فاعل جمله نه جمع و مفرد آن را نشان می‌دهد و نه مذکر و مؤنث بودن. گاهی به عنوان فعل بکار می‌رود و گاهی اسم». (Grevisse, 2016, p. 1314) و در زبان فارسی «تنها بیانگر عمل است بدون آن که صیغه یا مفرد و جمع بودن آن را مشخص کند» (فتاحی و هواکشیان، ۱۴۰۲، ص. ۹۴). وجه مصدر در فرانسه دارای دو زمان حال و گذشته^۲ است و کاربردهای گوناگونی دارد. در مواردی از آن به عنوان اسم استفاده می‌شود، با توجه به این که در این زبان اسم مذکر^۳ یا مؤنث^۴ است و این امر با حرف تعریف^۵ مشخص می‌شود، اسم مصدر در برخی موارد از این قاعده پیروی نمی‌کند و به شکل یکسان یا به عبارتی بدون تغییر مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عنوان مثال وقتی فاعل مصدر است:

« Mourir n'est pas mourir ! [...] C'est changer ! » (*Le Bon Usage*, p. 1339).

مردن، مردن نیست {...} تغییر کردن است.

^۱ *Le Bon Usage* (2016, 16^e édition), M. Grevisse.

^۲ Infinitif présent et passé

^۳ Masculin

^۴ Féminin

^۵ Article

در جمله فوق دو مصدر در هر دو زبان بکاررفته، اولی فاعل و دومی مسند است. در نقش اول به عنوان اسم فرانسه بدون حرف تعریف آمده و در نقش صفت هم که باید مطابق با فاعل تغییر کند، بدون تغییر مانده است. در فارسی علاوه بر اسم که بدون حرف تعریف استفاده می‌شود، از دیدگاه سرکیسیان و همکاران، مصدر در «مقام صفت نیز می‌تواند ایفای نقش کند» (سرکیسیان و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۲۱۷). در مثال‌های بعدی، مصدر فقط در نقش فاعل ظاهر شده است:

« Avoir une formation bilingue ne pouvait que leur être bénéfique dans leur devenir humain et professionnel » (p. 98)¹.

داشتن آموزش دوزبانه در آینده آنها و زندگی حرفه‌ای‌شان مفید است.

Maîtriser le vocabulaire des textes spécialisés exige une connaissance approfondie de chaque domaine.

تسلط بر واژه‌های متون تخصصی نیاز به شناخت عمیق هر زمینه دارد.

همانطور که مشاهده می‌کنیم، در جمله اول معادل فارسی مصدر فرانسه «داشتن» است؛ ولی در جمله دوم، برای معادل مصدر فرانسه از «تسلط داشتن» استفاده نشده و به صورت اسم یعنی «تسلط» آمده است و این امر علاوه بر «آراسته سازی»^۲ متن به روان‌تر بودن آن نیز کمک می‌کند. به گفته خویینی، «این اسم دارای ساختمانی ساده است و بر مفهوم عمل دلالت می‌کند و بدون داشتن ساختمان اسم مصدر، در همان معنی به کار می‌رود» (خویینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۱).

استفاده دیگر از مصدر فرانسه در جملاتی است که بیش از یک فعل دارند، در نتیجه اولی صرف شده و دومی به صورت مصدر می‌آید؛ ولی باید توجه داشت که این قاعده معمولاً شامل افعال نیمه کمکی^۳ می‌شود مانند خواستن، توانستن، بایستن، دانستن، غیره.

۹- شماره صفحه‌ای که در مثال‌های کل متن در داخل پرانتز قید می‌شود مربوط به صفحات رمان نجیب رضوان است.

^۲ Ennoblement

^۳ Les verbes semi-auxiliaires comme vouloir, pouvoir, devoir, savoir, etc.

« Je ne peux pas le faire. Je dois me marier avec quelqu'un que j'aime et qui m'aime » (p. 116).

من نمی‌توانم این کار را انجام دهم. باید با کسی ازدواج کنم که او را دوست داشته باشم و او هم مرا دوست بدارد.

« Je veux vous récompenser de ces années perdues et me rendre utile pour vous » (p. 129).

من می‌خواهم سال‌های از دست رفته را برای شما جبران کنم و برایتان مفید باشم.

« Tu es le bienvenu. Ma maison est à ta disposition. Tu peux rester tant que tu voudras » (79).

خوش آمدی. خانه من در اختیار توست. هر چقدر که بخواهی، می‌توانی بمانی.

با تطبیق جملات فرانسه و فارسی متوجه می‌شویم که در تمام موارد فعل دوم فرانسه به صورت مصدر به کار رفته؛ ولی در زبان فارسی صرف شده است. توجه داشته باشیم که گاهی به جای افعال نیمه کمکی، فعل اول یک فعل عادی است؛ ولی از این قاعده پیروی می‌کند: اولی صرف و دومی به شکل مصدر استفاده می‌شود. همانطور که در مثال‌ها می‌بینیم، در برگردان به فارسی جملات دارای دو فعل، معمولاً هر دو صرف می‌شوند. در واقع، با این روش «منطقی‌سازی»^۱ صورت گرفته است:

شیوه ای که ساختارهای نحوی متن اصلی و علائم سجاوندی را در برگرفته و مترجم با توجه به ترتیب کلمات متن را به دلخواه خود تغییر می‌دهد و این تغییرات شامل ساختار جملات (ترتیب جدید) یا تغییر علائم نقطه‌گذاری است، آن هم بدون توجه به اهداف و نیت مترجم یا شاعر (احمدی، ۱۳۹۵، ص. ۶۴).

Les voisines les plus proches venaient frapper à la porte, présenter leurs vœux aux mariés et aux parents » (p.138).

^۱ Rationalisation

خانم های همسایه صمیمی تر می آمدند، در می زدند، به عروس، داماد و والدین شان تبریک می گفتند.

Il leur offrit une vache en sacrifice en plus d'un mouton acheté par Jilali »
parce qu'ils prévoient recevoir une grande quantité d'invités » (p.138).

او یک گاو برای قربانی کردن به آنها هدیه داد، به علاوه یک گوسفند که جلالی خریده بود؛ زیرا پیش بینی می کردند که از تعداد زیادی مهمان پذیرایی کنند.

« Elle retourna à la cuisine chercher une théière et des verres pour du thé à la menthe » (p. 60).

او به آشپزخانه برگشت تا برای تهیه چای نعنا قوری و لیوان ها را بیاورد.

شایان ذکر است که در صورت بیان دو فعل برای یک فاعل که هریک دال بر عملی خاص دارد؛ ولی با «حرف ربط»^۱ از هم جدا شده اند، ساختار جمله تغییر کرده و هر دو فعل باید صرف شوند، نکته ای که در ترجمه به فارسی هم کاملاً رعایت شده است:

« Elle la remercia et les conduisit dans la pièce réservée aux invités ... » (p. 117).

از او تشکر کرد و آنها را به اتاق پذیرایی هدایت کرد.

« Elle se sentit gênée et se mit dans un coin » (p. 118).

او احساس خوبی نداشت و در گوشه ای نشست.

« Kenza baissa les yeux et laissa ses parents parler avec leurs invités » (p. 119).

کنزا چشمانش را پائین انداخت و گذاشت که مادر و پدرش با مهمانان صحبت کنند.

مورد دیگر استفاده از مصدر بعد از «حروف اضافه»^۲ است که خود چند بخش را در برمی گیرد:

¹ Conjonction de coordination

² Prépositions

« Les organisateurs à tour de rôle prirent la parole pour présenter les grands changements touchant l'éducation qui se généralisait » (p. 65).

برگزارکنندگان به نوبت برای معرفی تغییرات مهم در زمینه تعلیم و تربیتی که در حال عمومی شدن بود سخن گفتند.

« Ils avaient tout fait pour qu'elle s'émancipe, étudie pour travailler plus tard et choisir elle-même son prétendant » (116).

آنها هر کاری انجام داده بودند تا او آزاد باشد، برای کارکردن در آینده تحصیل کند و خودش همسر آینده‌اش را انتخاب کند.

« Pour être de race française, l'enfant métis devait avoir du sang français dans les veines » (p. 43).

کودک دورگه برای این که از نژاد فرانسوی باشد، باید خون فرانسوی در رگ‌هایش جاری باشد.

همانطور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌کنیم، حرف اضافه فرانسه به همراه مصدر بیانگر «متمم هدف»^۱ است که معادل فارسی آن در جمله اول به صورت اسم آمده، در دومی مصدر حفظ شده چون فعل «کارکردن» به شکل مصدر منظور نویسنده را بهتر منتقل می‌کند. فعل «بودن» در سومی فقط به صورت صرف شده می‌تواند صحیح باشد. تغییر جایگاه این متمم در جمله فرانسه نکته‌ای قابل تأمل است که در ترجمه رعایت شده و خدشه‌ای به معنای جمله وارد نکرده است. در اینجا نیز شیوه «منطقی سازی» کاملاً مشهود است، چرا که مترجم نسبت به ساختار زبان فارسی تغییراتی را در رابطه با «ترتیب کلمات» اعمال کرده است.

حروف اضافه دیگر بعد از فعل صرف شده می‌آیند و به دنبال آن مصدر قرار می‌گیرد.

« Slimane était irremplaçable et continuait à l'habiter au plus profond de son âme » (p. 45).

سلیمان جایگزینی نداشت و هنوز هم در اعماق روحش زندگی می‌کرد.

^۱ Complément circonstanciel de but

« Kenza mérite de porter une bague originale, raffinée et de grande qualité qu'elle pourra admirer tout le temps ... » (p.136).

کنزا لایق آنست که انگشتری اصل، ظریف و با کیفیت بر انگشت داشته و همیشه با تحسین نگاهش کند.

« Tu te rends compte qu'ils n'ont pas essayé de montrer le respect à notre mère ? », déclare Yasmine (p. 264).

یاسمین گفت: «متوجه هستی که آنها نخواستند به مادرمان احترام بگذارند؟»

در این مثال ها، هر سه فعل فرانسه برای داشتن «مفعول صریح»^۱ جهت نشان دادن انجام عملی نیاز به یک حرف اضافه دارند؛ ولی اگر این مفعول اسم باشد، همانطور که از عنوانش پیداست، بدون واسطه به فعل می پیوندد. مترجم طبق ساختار دستوری زبان فارسی هر سه مصدر در نقش مفعول صریح را به شکل فعل صرف شده آورده است.

کاربرد دیگر مصدر فرانسه بعد از «عبارات فعلی»^۲ است.

« ... ils avaient pris la décision de ne jamais marier leur fille contre son gré et de respecter son choix » (p. 116).

آنها تصمیم گرفته بودند که هرگز دخترشان را علیرغم میل باطنی او مجبور به ازدواج نکنند و به تصمیمش احترام بگذارند.

« Elle n'a plus besoin de continuer parce qu'une fois mariée avec notre fils, elle doit s'occuper de son mari et de sa famille » (p. 118).

او دیگر نیازی به ادامه (تحصیل) ندارد؛ چرا که بعد از ازدواج با پسر ما باید به همسر و خانواده اش رسیدگی کند.

¹ Complément objet direct

² Locutions verbales

از آنجایی که عبارات فعلی معمولاً حرف اضافه دارند، استفاده از مصدر بعد از آنها الزامی است؛ ولی در فارسی علیرغم وجود چنین قاعده دستوری، مترجم مصدر جمله اول را صرف کرده؛ زیرا نتیجه استفاده از مصدر می‌تواند چنین جمله‌ای باشد: «آنها تصمیم به شوهرن دادن دختر خود علیرغم میل او و احترام گذاشتن به انتخابش گرفته بودند». این جمله در فارسی روان نیست و از نظر دستوری و نحوی غلط است و در ترجمه، از دیدگاه برمن «تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین»^۱ محسوب می‌شود. در واقع، برای اجتناب از چنین تخریبی و جهت «واضح‌سازی»^۲ که به «تعریف کردن یا معین کردن آنچه نامعین است» (احمدی، ۱۳۹۵، ص. ۶۵) مترجم از این شیوه استفاده کرده که به «آراسته‌سازی» جملات نیز منجر شده است.

در جمله دوم، مترجم اسم فعل را بکار برده است. در واقع، با استفاده از مصدر فارسی چنین ترجمه می‌شد: او دیگر نیازی به ادامه دادن تحصیل ندارد ... مصدری که به گفته‌ی برمن منجر به «تطویل یا اطناب»^۳ متن می‌شود.

کاربرد دیگر مصدر بعد از «افعال بی‌شخص»^۴ است. در این حالت «مصدر فاعلی»^۵ استفاده می‌شود که به عنوان نهاد در آخر جمله قرار می‌گیرد (Grevisse, 2016, p. 1338).

« Les murs ont des oreilles et il faut se méfier de tout le monde » (p. 75).

دیوار موش داره موش هم گوش داره و باید به همه بی‌اعتماد بود.

« Il faut s'attendre à ce nouveau vent de révolte qui souffle partout ... » (p. 145).

باید در انتظار یک موج جدید اعتراض باشیم که از همه جا برمی‌خیزد.

¹ Destruction des réseaux signifiants sous-jacents

² Clarification

³ Allongement

⁴ Verbes impersonnels

⁵ Infinitif sujet

برای معادل این کاربرد مصدر هم معمولاً در فارسی فعل صرف می‌شود. «گاهی در فرانسه با برجسته کردن عملی با یک صفت و استفاده از ساختار مختص این زبان مصدر نقش فاعلی را ایفا می‌کند». (Grevisse, 2016, p. 1337)

همچنین در جملاتی که فعل اول آنها یک «فعل حسی»^۱ است، دومی به جای صرف شدن بعد از «ضمیر ربطی فاعلی»^۲ اغلب به صورت مصدر می‌آید.

« Charifa demeura longtemps sur le pas de la porte à le regarder partir » (p. 20).

شریفة مدت زیادی جلوی در ایستاد تا رفتن او را تماشا کند.

« Un soir, alors que Charifa préparait le dîner, elle entendit frapper à la porte » (p. 45).

یک شب، وقتی شریفة مشغول تهیه شام بود، شنید که در می‌زنند.

« Combien de gens avait-elle fait entrer dans ce bureau, mais jamais elle ne l'avait vu perdre le contrôle de la situation » (p. 195).

به چند نفر اجازه ورود به این اتاق کار را داده بود؛ ولی هرگز ندیده بود که وی کنترل موقعیت را از دست بدهد.

در برگردان به فارسی جمله اول «رفتن» به عنوان اسم آمده است و در دو جمله بعدی، مصدر صرف شده است. همانطور که پیشتر اشاره شد، وقتی در زبان فرانسه از ضمیر ربطی «که» استفاده می‌شود، چنانچه در مثال ذیل می‌بینیم، مصدر جای خود را به فعل صرف شده می‌دهد؛ ولی تأثیری در برگردان آن به فارسی ندارد و مانند موارد قبل صرف می‌شود.

En regardant les militaires qui défilent dans la rue, il est fier de l'armée de son pays.

¹ Verbes de sensation

² Pronom relatif "qui"

با تماشای نظامیانی که در خیابان رژه می‌روند، به ارتش کشور خود می‌بالد.

مصدر در فرانسه به عنوان «متمم اسم و صفت»^۱ نیز به کار می‌رود.

« Malgré la pauvreté criante dans laquelle il vit, il resta fidèle à lui-même conservant sa joie de vivre, sa force indomptable et son sens de l'honneur » (p. 85).

علیرغم فقر شدیدی که در آن زندگی می‌کرد، به انسانیت خود وفادار مانده و شاد زیستی، نیروی بیش از حد و شرافتش را حفظ می‌کرد.

« Arezki comprit qu'ils étaient tristes de le voir partir » (p. 92).

ارزکی متوجه شد آنها از دیدن او که داشت می‌رفت (در حال رفتن بود) ناراحت بودند.

« Bachir était heureux de faire la connaissance de ses cousins et cousines » (p. 139).

بشیر از آشنایی با فرزندان عمه‌ها خوشحال بود.

در جمله اول، مصدر متمم اسم است. برگردان تحت‌اللفظی آن به فارسی می‌توانست «شاد زندگی کردن» باشد؛ ولی به علت خللی که در سلیس بودن جمله ایجاد می‌شود، مترجم اسم مرکب «شاد زیستی» را انتخاب کرده که لطمه‌ای به مفهوم جمله نمی‌رساند و در میان ساختارهای ریخت‌شکنانه برمن «همگون‌سازی»^۲ را تداعی می‌کند. در واقع، با توسل به این ساختار «مترجم سعی می‌کند همه سطوح زبانی و بیانی (واژگان نحوی، دستوری) را به شکل یکنواخت و همگن در آورد» (احمدی، ۱۳۹۵، ص. ۶۸). در این جمله، همگون‌سازی با دو اسم دیگری که نویسنده رمان بعد از این اسم و متمم آورده انجام شده است.

در جمله دوم و سوم، مصدر متمم صفت است. در فارسی این ترکیب کاملاً مشهود است با این تفاوت که در دومی مصدر «دیدن» حفظ شده و در سومی، مترجم برای مصدری که در عبارت

^۱ Compléments du nom et de l'adjectif

^۲ Homogénéisation

فعلی به کار رفته به جای «آشنا شدن با...»، اسم «آشنایی» را برای اجتناب از «تطویل یا اطناب» برگزیده است.

مصدر در زمان «آینده نزدیک»^۱ در فرانسه بعد از فعل «رفتن» استفاده می‌شود.

«... les universités allaient se construire sur tout le territoire ... » (p. 65).

دانشگاه‌ها بزودی در سراسر کشور ساخته می‌شوند.

« Vous n'allez manquer de rien. J'ai tout arrangé pour vous laisser à l'abri de tout souci » (p. 18).

شما هیچ چیزی کم نخواهید داشت. ترتیب همه چیز را داده‌ام تا از هر نگرانی بدور باشید.

معادل مصدر این ساختار نیز در فارسی مانند بسیاری از موارد دیگر فعل صرف شده است که معمولاً با یک قید زمانی بیانگر آینده‌ای نزدیک بکار می‌رود.

استفاده دیگر از مصدر در زبان فرانسه بعد از افعال «سببی»^۲ است که تعدادشان محدود است. در این کاربرد نیز مانند اغلب موارد برگردان مصدر فرانسه به صورت فعل صرف شده در فارسی به کار رفته است.

« Laisse-moi pleurer mes deux fils tués par les Français, un ici et l'autre là-bas » (p. 33).

بگذارید گریه‌کنم، برای دو پسر من که به دست فرانسوی‌ها کشته شدند، یکی اینجا و دیگری آنجا.

« Il refusait de se laisser porter par le mouvement de colère et de révolte des jeunes de son âge » (p. 109).

او نمی‌گذاشت که تحت تأثیر جریان خشم و عصیان جوانان هم‌سن خود قرار گیرد.

^۱ Futur proche

^۲ Verbes causatifs

در زبان فرانسه بعد از برخی «ضمایر ربطی»^۱ مصدر به کار می‌رود؛ ولی همانطور که در این مثال‌ها می‌بینیم، معادل فارسی آنها به صورت فعل صرف آمده‌است.

« Je sais à quoi m'en tenir pour être à la hauteur de tes attentes » (p. 100).

برای این که در حد انتظارات باشم، می‌دانم به چه چیزی پایبند باشم.

« Embarrassé, Slimane ne savait pas quoi dire ou comment agir » (p. 263).

سلیمان، سرگشته و حیران، نمی‌دانست چه بگوید یا چکار کند.

«مصدر سؤالی»^۲ نیز یکی از موارد کاربردی این مبحث دستوری است که در جملات سؤالی بدون فاعل استفاده می‌شود. معادل فارسی آن در مثال‌های ذیل در قالب جملات سؤالی صرف شده است.

Comment te remercier pour tant de services ?

چطور برای این همه خدمت از تو تشکر کنم؟

Que faire ? Où aller ?

چه کنیم؟ کجا برویم؟

بعد از بررسی موارد استفاده از مصدر در زبان فرانسه و تطبیق آنها با فارسی، لازم به ذکر است که «مصدر زمان گذشته»^۳ نیز در فرانسه وجود دارد و در جملاتی که «تقدم و تأخر»^۴ را نشان می‌دهند اولین فعلی است که صورت می‌گیرد، در نتیجه تقدم را می‌رساند، تفاوتی که از نظر ساختاری با مصدر حال دارد این است که فعل به صورت مرکب، یعنی فعل کمکی به شکل مصدر در کنار اسم مفعول فعل اصلی قرار می‌گیرد.

« Après avoir été longuement interrogé par les gendarmes, ils lui donnèrent le choix de rester ou partir » (p. 112).

^۱ Pronom relatif

^۲ Infinitif interrogatif

^۳ Infinitif passé

^۴ Antériorité et postériorité

بعد از این که مدت طولانی از طرف نیروهای انتظامی مورد و جواب قرارگرفت، آنها (نیروهای انتظامی) از وی خواستند که ماندن یا رفتن را انتخاب کند.

« Après avoir placé son corps et sa tête vers la Mecque, Zohra était lavée trois fois puis essuyée et enveloppée dans un tissu blanc » (p. 50).

بعد از قرارگرفتن سر و بدنش به طرف کعبه، زهره سه بار شسته شد، پس از خشک شدن، در پارچه‌ای سفید پیچیده شد.

Après s'être dirigés vers les lieux de crime, les policiers ont commencé à relever les empreintes digitales des criminels.

نیروهای پلیس بعد از روانه شدن به طرف محل جنایت شروع به انگشتنگاری کردند.

در سه مثال فوق، در اولی مصدر گذشته در ترجمه فارسی صرف شده؛ ولی در دومی و سومی شکل مصدری خود را حفظ کرده‌اند و در هر سه حالت نشانگر تقدم هستند. در فارسی، «زمان گذشته مصدری فاقد ارزش زمانی است و فقط تقدم زمانی را نسبت به فعل صرف شده همراه خود بیان می‌کند» (کمالی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۵).

در رابطه با بیان تأخر در زبان فرانسه، یکی از راه‌های آن استفاده از حرف اضافه «قبل از»^۱ است که حتماً بدنبال آن مصدر می‌آید. در جمله اول فعل سببی «گذاشتن» و به دنبال آن «سوار ماشین شدن» هر دو به اقتضای ساختار دستوری فارسی صرف شده‌اند؛ ولی در دومی «کفن شدن» در شکل مصدری خود مانده است.

« Ghalia et Jilali serrèrent très fort leur fille avant de la laisser monter dans la voiture décorée de fleurs et de rubans » (p. 140).

قلیبه و جلالی دختر خود را به گرمی در آغوش فشردند قبل از این که بگذارند وی سوار ماشینی شود که با گل و روبان تزئین شده بود.

« Les laveurs demandèrent du musc pour parfumer le corps avant de l'entourer du linceul » (p. 204).

^۱ Avant de

غسال‌ها مشک خواستند تا بدن میت را قبل از کفن شدن معطر کنند.

علاوه بر مواردی که مورد مطالعه قرار گرفت، استفاده دیگر مصدر گاهی به جای وجه امری در دستورالعمل دستگاه‌های الکتریکی، بروشور داروها، مواد آرایشی، بهداشتی و غیره است، قاعده-ای که در باره‌ی دستورهای آشپزی نیز صدق می‌کند. این نوع استفاده از مصدر را «امر صریح»^۱ می‌گویند که «معمولاً فاعل ندارد، امر به همگان است بدون این که فرد خاصی را مورد خطاب قرار دهد» (Grevisse, 2016, p.1315). با توجه به این که پیکره پژوهش یک رمان است و این اثر ادبی موارد ذکر شده را در بر ندارد، در نتیجه مثال‌ها از متون مربوط به این زمینه‌ها گردآوری شده‌است.

Avaler deux pilules par jour, matin et soir !

روزی دو قرص مصرف شود، صبح و شب !

Prier de ne pas mettre à la portée des enfants !

لطفاً در دسترس کودکان قرار ندهید !

« Désosser la viande avant de l'écraser » (p. 129) ; « Evidez la chair des tomates et farcir chacune avec les ingrédients ... » (p. 94)^۲

قبل از این که گوشت را له کنید، استخوان‌های آن را جدا کنید. داخل گوجه فرنگی‌ها را خالی کرده و آنها را با مواد لازم پر کنید.

همانطور که مشاهده می‌کنیم، معادل فارسی تمام مصدرهای فرانسه به صورت «امر به همگان» است. در واقع، افعال تغییر وجه داده‌اند: از وجه مصدری به «وجه امری»^۳ تبدیل شده‌اند. در رویکرد ترجمه نیز به عقیده نگارندگان نوعی «منطقی‌سازی» صورت گرفته؛ چرا که نتیجه بکار بردن مصدر چنین جملاتی است: «مصرف کردن روزی دو قرص، صبح و شب»، «خواهش کردن

^۱ Infinitif injonctif

^۲ Nahid Djalili Marand, *Saveurs de mon pays*, 2021.

^۳ Mode Impératif

برای قرار ندادن در دسترس کودکان» و «جداکردن استخوان های گوشت قبل از له کردن آن. خالی کردن داخل گوجه فرنگی ها و پرکردن آنها با مواد لازم». توسل به این شیوه «آراسته سازی» را به دنبال داشته است.

همچنین حضور مصدر در ضرب المثل های هر دو زبان را فراموش نکنیم. از آنجایی که این زمینه از زبان ترجمه ناپذیر است و فقط باید این جملات کلیشه ای را در زبان مقصد معادل یابی کرد، گاهی ممکن است در هر دو زبان کاربرد مصدری مشابه باشند و گاهی متفاوت.

Vouloir c'est pouvoir / خواستن توانستن است

Donner un œuf pour avoir un bœuf / به دادن وده خواستن

در زبان فرانسه نوع دیگری از مصدر با عنوان «مصدر روایی یا تاریخی»^۱ وجود دارد که در جملات با فاعل یا بدون فاعل بدنبال حرف اضافه می آید» (Grevisse, 2016, p.1314). استفاده از این مصدر در متون مطبوعاتی فرانسه هم بسیار رایج است.

« La police d'Amsterdam a fait part de l'enlèvement d'un nourrisson de 17 jours, dans le service de néonatalogie de l'hôpital Robert Ballanger. Et d'ajouter : « Nous avons arrêté aujourd'hui un homme et une femme dans un hôtel du centre d'Amsterdam, soupçonnés d'avoir kidnappé leur bébé prématuré » (Le Figaro, 2024).

پلیس آمستردام از ربودن یک نوزاد ۱۷ روزه در بخش کودکان نارس بیمارستان روبرت بالانجر خبر داد و افزود: «ما امروز زن و مردی را در هتلی واقع در مرکز آمستردام، مظنون به ربودن نوزاد نارس خود، دستگیر کرده ایم».

^۱ Infinitif de narration ou historique

مانند اغلب مثال‌ها، در این کاربرد نیز معمولاً مصدر فرانسه در فارسی صرف می‌شود، با این نکته مهم که به علت نبود فاعل، جمله‌ی دارای «مصدر روایی» با حرف ربط به جمله قبلی وصل شده است.

کاربرد دیگر مصدر در فرانسه این است که تعدادی از آنها به صورت اسم ساده^۱ یا مرکب^۲ با حرف تعریف مذکر می‌آیند، مانند مثال‌های ذیل که معادل فارسی آنها به ترتیب آمده است:

Le savoir, le vouloir, le pouvoir, le dire, les vivres ...

«دانش، خواستن، قدرت، گفته یا گفتار، مواد غذایی ...». در معادل فارسی اسم‌های مصدر فرانسه، به جز دومی که به صورت مصدر آمده، بقیه اسم است. نکته مهم دیگر این که کلمه مرکب «مواد غذایی» که از فعل «زندگی کردن»^۳ گرفته شده همیشه به صورت جمع می‌آید.

همچنین نقش پررنگ ترکیب دو مصدر را در ساختار «اسامی مرکب»^۴ نباید نادیده گرفت.

Le vouloir-dire, le savoir-faire, le savoir-vivre, le savoir-dire, le laisser-passer ...

«منظور، مهارت کار، دانش زندگی، مهارت سخن گفتن، جواز عبور ...»

معادل فارسی این اسم‌های مرکب فرانسه اغلب اسم است به استثنای «خواستن» و به جز کلمه‌ی اول که ساده است، مابقی ماهیت مرکب خود را در فارسی نیز حفظ کرده‌اند. در زبان فرانسه، حضور اسامی مرکبی که از یک اسم و یک مصدر به وسیله حرف اضافه ترکیب شده‌اند نیز شایان ذکر است:

Fer à repasser, machine à laver, machine à coudre, permis de conduire, planche à couper, chambre à coucher, salle à manger, etc.

^۱ Nom simple

^۲ Nom composé

^۳ Vivre

^۴ Noms composés

معادل فارسی این اسامی مرکب به ترتیب چنین است: اتو، ماشین لباسشویی، چرخ خیاطی، گواهینامه رانندگی، تخته آشپزی، اتاق خواب، سالن ناهارخوری، غیره. از لحاظ ساختار، بجز واژه نخست، همه مرکب هستند؛ ولی بر خلاف معادل‌های فرانسه، ساختار نحوی آنها در چهارچوب ترکیب فاقد مصدر بوده و در تمام موارد کلمه‌ی مرکب از یک اسم و یک صفت تشکیل شده است. در واقع، به جای «ماشین برای لباس شستن، چرخ برای خیاطی کردن، اتاق برای خوابیدن، غیره». در این مبحث، مصدر فارسی در «مقام صفت ایفای نقش کرده است» (سرکیسیان و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۲۱۷). ناگفته نماند که به علت گستردگی این نوع اسم در هر دو زبان، نمی‌توان گفت که در ترکیب فارسی از مصدر استفاده نمی‌شود. شایسته است که این نکته مبهم در پژوهش‌های آتی متمرکز بر «مصدر در اسامی مرکب» مورد مطالعه‌ی دقیق‌تر قرارگیرد.

۴. نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی «مصدر» در زبان فرانسه و فارسی با تکیه بر گزیده‌های پیکره پژوهش و برگردان آنها به فارسی شناخت ما را نسبت به این وجه فعل گسترده‌تر و عمیق‌تر کرد. مصدر فرانسه در جایگاه فاعل، فعل اصلی جمله بعد از افعال نیمه‌کمکی، مفعول، صفت، اسم ساده و مرکب قرار می‌گیرد. همچنین می‌توان با استفاده از آن خطاب به همگان امر کرد، روایتی را نقل و سؤال مطرح کرد، بدون این که حضورش در ضرب‌المثل‌ها از دید ما پنهان باشد. این در حالی است که زبان ما «با توجه به ماهیتی که دارد فاقد وجه مصدری است و مصدر تنها قادر است از نظر دستوری نقش‌های اسم را در جمله ایفا کند» (کمالی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۵). البته در ترجمه خود مشاهده کردیم که علاوه بر ایفای نقش‌های اسم، به عنوان فعل نیز در جمله صرف می‌شود. در تعداد محدودی از مثال‌ها، معادل مصدر فرانسه به همان شکل مصدر در فارسی استفاده شده؛ ولی اغلب در نقش اسم است. لازم به ذکر است که در در جایگاه اسم فرانسه و فارسی جمع و مفرد ندارد، به عبارتی یکسان استفاده می‌شود؛ ولی به عنوان اسم ساده یا مرکب در فرانسه با حرف تعریف مذکر یا مونث می‌آید و اگر با حرف تعریف جمع بکاررود، علامت جمع نمی‌گیرد.

نکته مهم دیگری در این پژوهش توجه ما را جلب کرد: رویکرد مترجم برای برگردان نقش‌های مختلف مصدرهای فرانسه به فارسی بیشتر به دلایل ذیل صرف فعل بوده تا حفظ مصدر در جمله: برای اجتناب از «تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین»، «تطویل یا اطناب» و «تخریب ضرب آهنگ‌های متن»^۱. در مواردی نیز برای «منطقی‌سازی»، «واضح سازی»، «همگون‌سازی» و «آراسته‌سازی» چنین شیوه‌ای اتخاذ شده است.

مقاله حاضر ادعای بررسی همه جوانب مبحث موردنظر را ندارد؛ چرا که هر یک از نقش‌ها و جایگاه‌های مصدر به تنهایی می‌توانند موضوع مقاله، پایان‌نامه و رساله‌ی دکتری باشند، از جمله اسامی مرکب با ساختار نحوی اسم + مصدر و مصدر + مصدر، پژوهشی که نیاز به پیکره‌ای بسیار غنی دارد.

کتابنامه

- احمدی، م. ر. (۱۳۹۵). *نقد ترجمه ادبی، نظریه‌ها و کاربری‌ها*. تهران: رهنما.
- احمدی، م. ر. و جعفری، ح. (۱۴۰۰). چالش‌های ترجمه متون پزشکی و نقش شیوه‌های ترجمه در حل آن. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۴ (۲)، ۱۳۸-۱۲۳.
- جلیلی مرند، ن. و کلاشی، ن. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی صفت بیانی در زبان‌های فارسی، فرانسه و روسی. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۶ (۱)، ۲۱۳-۲۳۳.
- حسینی، ا. (۱۳۸۱). بررسی و تحلیل ویژگی‌های دستوری-نحوی مصدر زبان روسی در مقایسه با مصدر زبان فارسی. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۱۲-۳۲.
- خوینینی، ع. (۱۳۹۲). نوعی اسم مصدر در زبان فارسی. *دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)*، ۹، ۲۰-۳۲.

^۱ Destruction des rythmes

- رضایی، و. (۱۳۹۵). مصدر، اسم مصدر و حاصل مصدر از دیدگاه سرنمون رده‌شناختی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱ (۱۴)، ترتیبی ۱۴، ۱-۱۶.
- سرکیسیان، ک.، مزدک، ا. و بهرامی، ف. (۱۴۰۳). مصدر فارسی چه ماهیتی دارد و چگونه فرافکن می‌شود؟ تبیینی در چارچوب صرف توزیعی. علم زبان، ۱۹، ۲۱۷-۲۵۴.
- فتاح، س.، و هواکشیان، و. (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای وجه و زمان فعل در زبان‌های فارسی و فرانسه. تهران: سمت.
- کمالی، م. ج. (۱۳۹۵). دستور زبان مقایسه‌ای فرانسه و فارسی. تهران: سمت.
- مرادی، م.، و مدائینی، ع. (۱۳۹۲). معانی گوناگون مصدر در جمله‌های مصدری یک رکنی زبان روسی و بیان آن‌ها در زبان فارسی. جستارهای زبانی، ۱۵، ۲۰۳-۲۱۸.
- مصفا جهرمی، ا. (۱۳۹۲). نگاه زایشی به مقوله‌ی دستوری مصدر در زبان فارسی (ره‌یافت‌ها و راه‌حل‌ها). زبان پژوهی، ۹ (۵)، ۱۶۳-۱۷۵.
- وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۸). مصدرنما یا مصدر فعل مرکب. ادبیات فارسی، ۲۳، ۲۲-۲۷.
- Djalili Marand, N. (2021). *Saveurs de mon pays*. Téhéran : Miras-e Irani.
- Grevisse, M. (2016). *Le Bon Usage* (16^e édition par André Goosse). De Boeck Supérieur (Groupe Albin Michel).
- Redouane, N. (2023). *Sous le ciel d'Oran*. Paris : L'Harmattan.